

«ایران» از آثار اجرایی شدن سیاست‌های کلی تأمین اجتماعی گزارش می‌دهد

آغازی بر پایان ابربحران صندوق‌های بازنشستگی

مریم آریایی خبرنگار

سیاست‌های کلی تأمین اجتماعی بعد از دو سال بررسی و چکش کاری در مجمع تشخیص مصلحت نظام و دستگاه‌ها و نهادهای مسئول، طی هفته جاری از سوی رهبر معظم انقلاب ابلاغ شد و حالا به‌عنوان یک سند بالادستی هم می‌تواند مرجعی عملی برای روشن شدن مسیر اصلاحات در تأمین اجتماعی باشد و هم از اقدامات و رویه‌های نادرستی که در این حوزه وجود داشته جلوگیری کند.

فقدان نظام چند لایه تأمین اجتماعی و بحران صندوق‌های بازنشستگی از مهم‌ترین مواردی است که در این سند ابلاغی برای آنها چاره‌اندیشی شده و اجرایی شدن آن می‌تواند پایانی بر مشکلات جدی نظام تأمین اجتماعی و ابرچالش صندوق‌ها باشد.

■ **استقرار نظام تأمین اجتماعی به‌صورت جامع، یکپارچه، شفاف، کارآمد، فراگیر و چندلایه**

بند نخست این سند بالادستی نظام تأمین اجتماعی به‌صورت جامع، یکپارچه، شفاف، کارآمد، فراگیر و چندلایه است. در این بند استقرار نظام یکپارچه، جامع، شفاف، کارآمد و فراگیر بسیار مهم است اما آنچه بیش از سایر موارد اهمیت دارد، چند لایه بودن این نظام است که مورد توجه قرار گرفته است و آنچه بیش از همه موارد از آن محروم هستیم همین چندلایه‌ای بودن در نظام تأمین اجتماعی است.

نظام تأمین اجتماعی ما اکنون یک نظام تک لایه است و علی‌رغم هزینه‌های قابل توجهی که در بر دارد بازی باخت-باختی است که عملاً هم دولت باخته چون هزینه و اعتبار زیادی خرج می‌کند و برای مثال در بودجه سال گذشته ۲۰۰ هزار میلیارد تومان برای این بخش صرف شد که معادل بودجه یک وزارتخانه است و همچنین اهداف محقق نشده رضایتی در بازنشستگان ایجاد نشده است. بازنشسته‌ها هم باخته‌اند چرا که حق بیمه پرداخت کرده‌اند اما همچنان چرخ زندگی‌شان نمی‌چرخد و اقبال محروم جامعه که بر اساس قانون اساسی حق استفاده از منابع عمومی در بازنشستگی را دارند هم از آن بی‌بهره مانده‌اند. یازده دیگر این نظام تک لایه صندوق‌های بازنشستگی هستند که در وضعیت بحرانی به سر می‌برند و عملاً ورشکسته‌اند و همه این موارد آثار نظام تک لایه تأمین اجتماعی است. این در حالی است که به اعتقاد کارشناسان، نظام تأمین اجتماعی ما حداقل باید سه لایه داشته باشد. لایه اول این است که اقبال محروم با استفاده از آزمون‌و وسع و تأمین مالی از محل مالیات و نه صندوق‌ها، مستمری دریافت کنند چرا که به هر حال در جامعه افرادی هستند که در دوره اشتغال امکان بیمه‌پردازی نداشته‌اند اما براساس قانون اساسی لازم است از آنها حمایت شود.

لایه دوم، طرح‌های عمومی بازنشستگی است که افراد حق بیمه پرداخت می‌کنند و براساس آن مستمری دریافت می‌کنند که در این زمینه دیگر آزمون و وسع وجود ندارد.

معاون اقتصادی وزیر کار مطرح کرد

عزم وزارت کار برای اجرای سیاست‌های کلی تأمین اجتماعی

معاون اقتصادی وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی از عزم جدی این وزارتخانه برای اجرای سیاست‌های کلی تأمین اجتماعی خبر داد و گفت: صندوق فولاد یکی از موفق‌ترین عملکردها را در شش ماه گذشته در سطح وزارتخانه سختی پیش رو داشت.

وی اظهار داشت: خوشبختانه دکتر عامریان و تیم مدیریتی پرتلاش، جوان و متخصص مسیر سامان دادن صندوق را به‌خوبی جلو برده و برای خدمت به بازنشستگان اشاره به اینکه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی بیش از ۹۰ درصد از

دستگاه‌های امنیتی کشور، تاکید

دارد.

در این بخش نیز به اعتقاد کارشناسان فاقد نهاد تنظیم‌گردر در این بخش نیز به اعتقاد کارشناسان فاقد نهاد تنظیم‌گردر در این بخش نیز به اعتقاد

زمینه تأمین اجتماعی و صندوق‌ها هستیم، هرچند فلسفه تشکیل وزارت رفاه از سال ۱۳۸۳، همین تنظیم‌گری بوده است، اما هدفی بوده که در سال‌های گذشته به‌دلیل مباحثی همچون تعارض منافع ناکام مانده است.

صندوق‌های بازنشستگی نهادهایی هستند که حجم عظیم سرمایه‌های شاغلین در آنها برای دوران بازنشستگی‌شان جمع می‌شود اما در تاریخ این نهادها ترکیبی از منابع مالی با عدم شفافیت و ساختارهای نامناسب موجب سوءاستفاده شده و تعارض منافع دولت‌ها باعث عدم حرکت به سمت اصلاح سیستم‌ها شده است و فضا به گونه‌ای رقم خورده که اگر دولت‌ها بخواهند اصلاحات پارامتریک را آغاز کنند

و برای مثال سن بازنشستگی را افزایش دهند عملاً هزینه سیاسی برای آنها داشته، هر چند منافع کوتاه مدت داشته، اما هزینه‌های بلند مدتی برای حاکمیت دارد اما حاضر به پرداخت هزینه‌های سیاسی نشده‌اند. اتفاق دیگری که بر خلاف آنچه باید رخ دهد این بوده که دولت‌ها و مجالس عمدتاً تصمیماتی گرفته‌اند که منفعت کوتاه مدت داشته، اما هزینه‌های بیشتری برای حاکمیت در درازمدت ایجاد کرده است.

سوءاستفاده از منابع صندوق‌ها دیگر آفتی است که در این مسیر ایجاد شده و از آنجا که این نهادها تحت سلطه دولت‌ها بوده‌اند، لذا در بخش‌های مختلف هر جا دولت‌ها نیاز داشته‌اند، به این منابع رجوع کرده‌اند، لذا خلأ وجود نهاد تنظیم‌گر همواره وجود داشته است. در این زمینه نیز به ادعاه متخصصان وجود یک نهاد تخصصی که در

خلال تنظیم‌گری و نظارت دچار تعارض منافع نشود و منافع کوتاه مدت و هزینه‌های بلند مدت ایجاد نکند نیاز است تا مشکلاتی که اشاره شد حل شود.

■ **پایبندی به حقوق و رعایت تعهدات بین نسلی**

در بند سوم سیاست‌های کلی تأمین اجتماعی پایبندی به حقوق و رعایت تعهدات بین نسلی و عدم تعارض منافع فاعد تضمین مالی بین نسلی، تأمین منابع پایدار، رعایت محاسبات بیمه‌ای و تعادل بین منابع و مصارف و حفظ و ارتقای ارزش ذخایر سازمان‌ها و صندوق‌های بیمه‌گر اجتماعی به‌عنوان اموال متعلق به حق مردم با تاکید بر امانتداری، امنیت، سودآوری و شفافیت با ایجاد سازوکار لازم، تکلیف شده است.

در مورد هزینه‌های صندوق‌های بازنشستگی محاسبات اکچوئری مطرح است و در این زمینه لازم است در برآورد هزینه‌ها و منابع برای هزینه‌های پایدار، منابع پایدار برای آنها داشته، هر چند منافع بلند مدتی برای حاکمیت دارد

اما حاضر به پرداخت هزینه‌های سیاسی نشده‌اند. اتفاق دیگری که بر خلاف آنچه باید رخ دهد این بوده که دولت‌ها و مجالس عمدتاً تصمیماتی گرفته‌اند که منفعت کوتاه مدت داشته، اما هزینه‌های بیشتری برای حاکمیت در درازمدت ایجاد کرده است.

سوءاستفاده از منابع صندوق‌ها دیگر آفتی است که در این مسیر ایجاد شده و از آنجا که این نهادها تحت سلطه دولت‌ها بوده‌اند، لذا در بخش‌های مختلف هر جا دولت‌ها نیاز داشته‌اند، به این منابع رجوع کرده‌اند، لذا خلأ وجود نهاد تنظیم‌گر همواره وجود داشته است. در این زمینه نیز به ادعاه متخصصان وجود یک نهاد تخصصی که در

کمک به آنها در نظر گرفته می‌شود. وضعیت صندوق‌های بازنشستگی در سال‌های اخیر به نگرانی اصلی خط‌مشی‌گذاران حوزه تأمین‌اجتماعی تبدیل شده است.

از دهه ۱۳۵۰ هرگاه درآمدهای نفتی افزایش یافت، سیاستگذاران بدون توجه به اصول علمی حاکم بر صندوق‌های بازنشستگی، شرایط (سن و سابقه برای دریافت مستمری بازنشستگی) را تغییر دادند یا معافیت‌های بلاوجهی را برای مشترکین صندوق‌ها در نظر گرفتند. به عبارت دیگر هرگاه «درآمد ناپایداری» ایجاد شده «هزینه‌ای» به کشور تحمیل شده است.

بررسی قوانین بودجه سنوئاتی نشان از آن دارد که سهم اعتبارات این دو صندوق از فصل رفاه از ۳۶درصد سال ۱۳۸۷ به ۶۴٫۴درصد در سال ۱۳۹۹ رسیده است، اگر این روند ادامه پیدا کند، در سال ۱۴۰۸، ۱۰۰درصد بودجه فصل رفاه می‌باید به دو صندوق کشوری و لشکری اختصاص داده شود.

علاوه بر این موارد، تعهدات بین‌نسلی گاه با تغییر قوانین و کاهش سن بازنشستگی برای گروه‌های مختلف اعمال شده است که این سخاوت‌های منفی عملاً خرج کردن از جیب نسل‌های بعدی تلقی می‌شود چراکه هر چه یک نسل زودتر به سن بازنشستگی برسد، نسل بعدی ناچار است بیشتر کار کند و دیرتر به این سن خواهد رسید.

■ **اصلاح قوانین در جهت تأمین عدالت**

بند چهارم سیاست‌های ابلاغی تأمین‌اجتماعی به اصلاح قوانین، ساختارها و تشکیلات سازمان‌ها و صندوق‌های بیمه‌گر اجتماعی در جهت تأمین عدالت و یکسان‌سازی قواعد و مقررات بیمه‌ای و جلوگیری از ایجاد و انباشت بدهی‌های دولت و رعایت تعهدات بیمه‌ای و تأمین بار

■ چهارشنبه ۲۴ فروردین ۱۴۰۱

■ سال بیست و هشتم

■ شماره ۷۸۸۵

۱۳

کاروتعاون

نقدینگی بانک‌ها در سیاست پولی

تغییرات سیاست پولی می‌تواند به طور گسترده‌ای ترازنامه بانک‌ها را تغییر دهد. تعدیل سیاست پولی، هزینه‌های تأمین مالی را کاهش می‌دهد و بانک‌ها را تشویق می‌کند تا از اهرم‌های بزرگ‌تری در سمت بدهی استفاده کنند.

در سمت دارایی، کاهش نرخ بهره، اهداف مربوط به «جست‌وجو برای بازده» را تحریک می‌کند و بنابراین بانک‌ها تمایل دارند دارایی‌های نقدی کمتری را نگهداری کنند و سرمایه‌گذاری‌های پر بازده‌تر را جایگزین کنند.

در بحبوحه تغییرات سیاست پولی، رابطه قوی بین سپرده‌ها و وام‌دهی وجود دارد: انقباض پولی ممکن است باعث کاهش سپرده‌ها به‌عنوان منبع اصلی وجوه قابل استقراض شود و بانک‌ها در صورت ناتوانی در جایگزینی کسری وجوه قابل استقراض، مجبور به کاهش پرتفوی وام خود می‌شوند. اصطلاحاً «کانال خلق نقدینگی بانکی» برای انتقال سیاست پولی را مطرح و بررسی می‌کنند که در عمل، عملکرد بانک با ایجاد نقدینگی به منظور تأمین اقتصاد ارتباط دارد یا نه، بانک‌ها از طریق تعهدات اعتباری و با استفاده از بدهی‌های نقدشونده برای تأمین مالی دارایی‌های غیرنقدشونده و برون ترازنامه‌ای، نقدینگی درون ترازنامه‌ای را فراهم می‌کنند.

از این رو، با پیروی از خط سیری پیچیده‌تر از کانال وام‌دهی بانکی، آشکار ساخته است که کانال خلق نقدینگی بانکی زمانی که به تمام اقلام داخل و خارج از ترازنامه مجوز داده شود، به‌وجود می‌آید. درون ترازنامه، ممکن است سیاست پولی تقیضی باعث افزایش نقدینگی بانک در نتیجه افزایش وجوه قابل قرض دادن و نیز عرضه وام شود. خارج از ترازنامه، ممکن است بانک‌ها را به‌دلیل وجوه قابل قرض بیشتر که ارزان‌تر نیز هستند، تعهدات بیشتری به مشتریان خود اعطا کنند. روی هم رفته، این کانال بانکی مبتکرانه، نشان‌دهنده این است که تسهیل سیاست پولی می‌تواند خلق نقدینگی - یکی از عملکردهای اساسی واسطه‌گری مالی را افزایش دهد.

خلق نقدینگی بانکی، عاملی تعیین‌کننده و حیاتی برای توسعه و ثبات اقتصادی است. بخصوص ممکن است خلق نقدینگی بانکی از رشد اقتصادی نیز حمایت کند به‌طور هم‌زمان، ممکن است احتمال سقوط بانکی را افزایش داده منجر به بحران‌های مالی شده و بحران‌های اقتصادی آینده را به میزان کافی پیش‌بینی کند از این رو، بررسی کانال خلق نقدینگی بانکی، یک مکمل و گسترش ایده آل به منظور انتقال سیاست پولی از طریق کانال وام دهی بانکی بوده و پیامدهای خردمندانه برای تنظیم بازده بانکی و رشد اقتصادی فراهم می‌کند.

بررسی کانال خلق نقدینگی بانکی در یک بازار نوظهور که در آن بانک مرکزی معمولاً ابزارهای متنوع سیاستی برای رسیدن به اهداف پولی را ترکیب و توانایی انتقال پولی تعیین شده توسط ساختار تأمین مالی بانک و قدرت بازار را تجزیه و تحلیل می‌کند، انجام شده است. به‌طور مثال، بانک‌های مرکزی در اقتصادهای پیشرفته‌تر، نرخ‌های بهره را معمولاً به‌عنوان ابزار اصلی سیاست اعمال می‌کنند، در حالی که برخی ابزارهای نرخ بدون بهره در اقتصادهای نوظهور، معمولاً به‌عنوان مکمل سیاست پولی مبتنی بر نرخ بهره (مانند الزامات پس‌نهاد و مداخله از خارجی) به کار می‌روند مازاد بر این، اثربخشی انتقالی مربوط به ابزارهای سیاست پولی مختلف که در بازارهای چند ابزاری مشاهده شده‌اند نیز ناهمگن هستند.

مهمتر از این تمرکز بر این است که چگونه قدرت بازار بانک و ساختار تأمین مالی کانال خلق نقدینگی بانکی در سیاست پولی را برای مقایسه با کانال وام دهی بانک شکل می‌دهد، با توجه به تمرکز اخیر بر تحول ساختار تأمین مالی و قدرت بازار که بانک‌ها تجربه کرده‌اند و نقش‌های شرطی‌کننده آنها در کانال وام‌دهی بانکی، این موضوع که چگونه رابطه سیاست پولی و خلق نقدینگی از طریق ساختار تأمین مالی و قدرت و تأمین‌اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است.

وجود قوانین متعدد، رویه‌های متفاوت در سطح خدمات مستمری صندوق‌های مختلف بازنشستگی و در کنار آن فقدان نهاد تنظیم‌گر که رویه‌ای عادلانه را تنظیم و رصد کند، از مشکلاتی بوده که همواره نظام تأمین‌اجتماعی با آن دست به‌گریبان بوده و همین سطوح مختلف خدمات در عین حال که احساس تبعیض را در میان جامعه و مردم ایجاد کرده، در برخی موارد هزینه‌های زیادی به صندوق‌ها تحمیل نموده و موجب ورشکستگی آنها شده است. اجرای دقیق این بند و پایبندی دستگاه‌ها به الزامات اجرایی آن می‌تواند در عین نجات صندوق‌ها از بحران، احساس تبعیض و نابرابری در جامعه را التیام بخشد.

پادافشت



امیر ابراهیم رسام مدرس دانشگاه

لیه‌بندی امور امدادی، حمایتی و بیمه‌ای و سطح‌بندی خدمات با رویکرد فعال دولت بر اساس وسع و استحقاق در بند پنجم سند بالادستی تأمین‌اجتماعی، مورد تاکید قرار گرفته است.

■ **لایه‌بندی امور امدادی، حمایتی و بیمه‌ای**
لیه‌بندی امور امدادی، حمایتی و بیمه‌ای و سطح‌بندی خدمات با رویکرد فعال دولت بر اساس وسع و استحقاق در بند پنجم سند بالادستی تأمین‌اجتماعی، مورد تاکید قرار گرفته است.

■ **قانون ساختار جامع رفاه و تأمین‌اجتماعی در سال ۱۳۸۳**
مصوب شده و در آنجا نیز سه بخش سلامت، بیمه و امداد دیده شده است. بخش حمایت مربوط به حمایت از اشخاص محروم ، بخش امداد مربوط به حوادث غیرمترقبه و بخش بیمه است که معمولاً با بخش حمایتی خلط شده و بین این دو بخش تفکیکی قائل نبوده‌ایم. در بخش حمایتی تعریف درست ابزارهای حمایتی ضروری است و این ابزارهای حمایتی نباید صندوق‌ها باشند و همین درهم‌ریختگی و عدم تفکیک، بار مالی زیادی به صندوق‌ها وارد کرده که از عهده‌آنها خارج است.

■ **بسط و تأمین عدالت اجتماعی**
بسط و تأمین عدالت اجتماعی، کاهش فاصله طبقاتی با هدفمندسازی یارانه‌ها، دسترسی آحاد جامعه به خدمات تأمین‌اجتماعی، توانمندسازی، کارآفرینی و رفع تبعیض‌های ناروا در بهره‌مندی از منابع عمومی نیز در بند ششم سیاست‌های ابلاغی تأمین‌اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است.

وجود قوانین متعدد، رویه‌های متفاوت در سطح خدمات مستمری صندوق‌های مختلف بازنشستگی و در کنار آن فقدان نهاد تنظیم‌گر که رویه‌ای عادلانه را تنظیم و رصد کند، از مشکلاتی بوده که همواره نظام تأمین‌اجتماعی با آن دست به‌گریبان بوده و همین سطوح مختلف خدمات در عین حال که احساس تبعیض را در میان جامعه و مردم ایجاد کرده، در برخی موارد هزینه‌های زیادی به صندوق‌ها تحمیل نموده و موجب ورشکستگی آنها شده است. اجرای دقیق این بند و پایبندی دستگاه‌ها به الزامات اجرایی آن می‌تواند در عین نجات صندوق‌ها از بحران، احساس تبعیض و نابرابری در جامعه را التیام بخشد.

تشتت و عملکرد جزیره‌ای در سیاست‌گذاری و نظارت بر اجرای برنامه‌ها تأکید کرد. «حسین عامریان» مدیرعامل صندوق بازنشستگی فولاد نیز با اشاره به همکاری و تعامل هیأت‌مدیره صندوق در دوره مدیریتی جدید گفت: در این مدت تمامی موضوعات را با بررسی‌های مشفقانه و تعامل مطلوب با اعضای هیأت مدیره پیش بردیم. البته حمایت تنها به محفل منابع داخلی قادر نبوده و در رعایت تعهدات بیمه‌ای و تأمین بار

تخصصی، هستورتی و حتی اجرایی در کنار همدلی و همراهی نیز مورد نیاز است تا کارهای بر زمین مانده زیادی که وجود دارد انجام شود. وی افزود: برنامه‌های آتی در صندوق با همراهی اعضای جدید هیأت‌مدیره و همراهی و هدایت خانگی نودری ری‌زی‌زی خواهد شد و قطعاً مدیران مجموعه نیز با انگیزه و انرژی بالا و به‌صورت شبانه‌روزی در حال ریل‌گذاری برای انجام فعالیت‌ها هستند و با روحیه جهادی و ابتکار وظایف خود را انجام می‌دهند.

۴ فروند هواپیمای زمین گیر به خط پروازی اضافه شد

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی از اضافه شدن چهار فروند از هواپیماهای زمین‌گیر به خط پروازی طی دوره مدیریتی دولت مردمی خبر داد. به گزارش کارهای بر زمین مانده تویبیتی نوشت: «در بازدیدی که اخیراً از آشیانه شرکت هواپیمایی آسمان داشتم، کلکسیونی از سوه‌مدیریت گذشته مشهود بود؛ اما خراب‌خوب اینکه طی دوره مدیریت دولت مردمی، ۴ فروند از هواپیماها، زمین‌گیر به خط پروازی اضافه شدند و با بازگشت ۴ فروند دیگر، آسمال‌نکور، جاه‌جایی مسافر طی ۱۲سال اخیر ثبت خواهد شد.»

^[1]